



۲۰۱۳/۰۴/۲۰

عبدالحكيم سامع

«اشغال» دوازده سال اخير، چگونه براه افتاد!

با طرح عنوان اولی، «آیا افغانستان اشغال است؟»، انتظار داشتم تا دانشمندان هموطن ما بخصوص آنهائیکه در کشور های پیشرفته، از امکان «دسترسی» به حقایق و معلومات و همچنان قابلیت و توانایی بیشتر و بهتر «تحلیل» مسائل مبهم حیاتی را دارا می باشند، درین رابطه تحلیل اساسی تقدیم نمایند. طوریکه قبلاً هم تذکر رفته است، تصور نمی شد، که گردانندگان محترم «پورتال افغان جرمن آنلاين» این «مطلب» را در «دریچه» نظر سنجی بگذارند، وقتی چنین شد، اقدام درست شناخته می شود. آنچه انتظار آن دیده نمی شد، عکس العمل محترم پروفیسر نورزوی «Prof. Noorzoy» از «کلیفورنیا»، با محتوای غیر دقیق با «سؤال»، شناخته می شود. اینکه آیا، قدرت «بزرگ» جهانی، «ایالات متحده امریکا»، با حامیان آن، به «اشغال افغانستان» نیازمند بوده است، اداره و اشنگتن می تواند، جواب آنرا ارائه نماید. اما آنچه در نوشته اولی تذکر یافته است، ایجاب می نمود، تا «پروفیسر» صاحب، یک اندازه به سطح بین المللی جواب و یا توضیح ارائه می داشتند. واقعیت اینست که «قدرت طلبی» از هرگونه، عوامل تبلیغاتی نیز کار می گیرد، که تفصیل در این جا، نمی گنجد. این را همه می دانند، که حلقهات معلوم الحال «افراطی»، که در سرزمین در حال جنگ ما، جای گرفته بودند، «امنیت» کشورهای «غربی»، در رأس «ایالات متحده امریکا» را به مخاطره انداختند. در زمانیکه «طالبان» «۹۰ فیصد» قلمرو افغانستان را تحت کنترل خود ها، ادعا داشته اند، نقش «میزبان» این «افراطیون تروریست» را بدوش داشته اند. بناءً مسؤولیت اساسی، بدوش همان «حلقه قدرت»، یعنی در قدم اول بدوش رهبران «طالبان» بوده است، که کشور افغانستان را در «معرض» همچو «خطر» حمله بین المللی قرار داده اند. انتظار می رفت که جناب «پروفیسر صاحب» این عوامل را هم در نظر می گرفتند و به شعار دادن نمی پرداختند.

حال می بینم که مشابه با «حلقهات چپی» سال ۱۹۷۹م که «زمینه های» مداخله «قوای شوروی» را در مطابقت، با مندرجات «منشور سازمان» شکلاً برابر ساختند، بدون اینکه «عواقب بعدی» را سنجیده باشند، باز قریب بیش از دو دهه بعد، «اتحاد شمال» تحت «رهبری» برهان الدین ربانی و «شورای نظار»، چنین زمینه ها را، که بنابر محتوای «منشور سازمان ملل متحد»، «مجریان عملیات جنگ علیه تروریسم»، «شکلاً» به آن نیازمند بوده اند، فراهم آوردند. «برهان الدین ربانی» خود را رئیس جمهور «حکومت مشروع» افغانستان می دانست و به کمک «حامیان» خارجی آن، «چوکی» کشور را در سازمان «ملل متحد» اشغال داشته است. بدین ترتیب، «چراغ سبز» را روشن ساخت و یا به عبارت دیگر، موانع قانونی را از سر راه ورود «قوای خارجی»، که درین مرحله «قوای امریکائی و انگلیسی» مطرح بوده است، همین «برهان الدین ربانی» و یاران او برطرف ساخته اند. درین ۱۲سال، هم مجامع بین المللی و هم حلقهات مختلف داخل کشور در برابر وقوع حوادث توجه داشته اند. بعضی از مخالفین «طالب»، از جهت گیری های مختلف سیاسی و «آیدیالوژی»، در حالیکه خود توان «سقوط حکومت طالب» را نداشته اند، بعد از آن، از مفهوم «اشغال» افغانستان، توسط «قوای خارجی» با توضیحات و تعبیرات مختلف، به تبلیغات متوصل شده اند. البته در «جبهه افراطیون» «راستی» و یا «مذهبی» هم «ترکیب» دیگری با ادعا های مشابه، به فعالیت های «نظامی» و «گوریلائی» اقدام نموده اند، که در جمله می توان از «احیای دوباره طالبان»، «جلال الدین حقانی و پسران» و «گلبدین حکمتیار و حامیان بین المللی افراطی» آنها، نظیر «القاعده»، یاد نمود.

در زمانیکه این عملیات یا «جنگ علیه تروریسم»، از جانب رهبری اداره «واشنگتن» آغاز یافت، هم متحدان داخلی و رسمی «افغان» و هم مخالفین خود را در جریان این عملیات ها، با خود داشته اند. «اتحاد شمال»، «برهان الدین ربانی» را، «رئیس جمهور خود» می دانسته اند، متحد عمده در «در عملیات زمینی» از سمت شمال، شمرده شده است. این «اتحاد» در سال ۱۹۹۶م، «کابل» را در آستانه پیشروی «طالبان» بسوی کابل، ترک گفته بودند. به تاریخ ۱۳ اکتوبر ۲۰۰۱م، درست شش روز بعد از آغاز «عملیات» «امریکائی»، «اتحاد شمال» در تحت حمایت قوای هوایی «سنتکوم» ایالات متحده امریکا، وارد کابل گردیده و



د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مواضع حاکم را در شهر اشغال نمودند. به قول همین منبع «طالبان» شب قبل از کابل «فرار نموده» بودند. خبرنگار «فیل ریس» (Phil Rees)، درین سفر «اتحاد شمال»، از «فیض آباد» الی کابل، همراه بوده است. بعد از آمادگی های «ستراتژییک»، ایالات متحده قوای عمده خود را بنام «خنجر» (Dagger)، در یکی از پایگاه های وقت «شوروی»، بنام «قرشی» (Qarshi) در جنوب «ازبکستان» مستقر ساخت. همکاری های وسیع بین المللی، خود الهام می بخشد، که چنین اقدام، با اشغال گری «قدیمی استعماری»، پیوند های «هدف» نداشته است. تنها مصارف معادل بیش از یک «تریلیون دالر امریکائی» درین «عملیات ها»، الی اخیر سال ۲۰۱۰م، از «خزانة واشنگتن»، نمایانگر حقیقتی است، که با ادعای اینکه گویا «امریکا در افغانستان لقمه «چرب تری» یافته باشد، مغایرت دارد. زیرا گوینده، این لقمه «چرب» را که با «اشغال» توسط قوای متذکره ارتباط می دهد، تعریف و توضیح ننموده است. این قوا، متشکل از افراد و واحد های قوای خاص بوده اند، که مشابهت با «نوک نیزه» قوای



ایالات متحده امریکا در جنگ افغانستان، یاد شده است، طوریکه قبلاً نیز تذکار یافته است، این قوای یاد شده، مهمترین گروپ های ضد «طالبان» را از داخل افغانستان و عمدتاً، «اتحاد شمال»، نظیر «رشید دوستم»، از «جنبش ملی اسلامی»، «محمد فهیم» و «محمد داود» از «جمعیت اسلامی»، شامل عملیات مشترک ساختند. (درین عکس، قوای «جبهه اتحاد شمال» را با قوای خاص «امریکائی» در افغانستان، در ماه «نومبر» ۲۰۰۱م، نشان می دهد.)

همین متحدین داخلی قوای «ائتلاف» بین المللی در «جنگ علیه تروریسم»، که عملیات شدید امریکائی و برتانوی در نخستین روز ها، علیه مراکز «طالبان» و القاعده آغاز نمودند، سهم داشته اند. جریان «عملیات ها» شواهد کافی از موجودیت، مراکز «القاعده» را «ثابت» می ساخت. «گلبدین حکمتیار» خود اظهار داشته است، که «جنگی» های او، به «بن لادن کمک» نموده اند، تا از تحت ضربه قوای ضد آن، نجات یابد، فرار از محل را برایش ممکن ساخته است. بهمین دلیل هم است، که در فعالیت های بعدی ضد «قوای خارجی» در افغانستان، همکار «القاعده» نیز شناخته است. تنها «ضدیت» با قوای «خارجی» معیار کامل «ملی بودن» شمرده شده نمی تواند.

از جانب دیگر، همان «حلقات داخلی» همکار «قوای ائتلاف بین المللی ضد تروریسم» در افغانستان، که در کنفرانس «بن» به «تأسیس» اداره مرکزی «مؤقت» موافقت نموده اند، به پذیرش «قوای حفظ صلح» که بعداً بنام «آیساف» یاد شده است، رسماً موافقت نموده اند. برای اداره جدید مؤقت در افغانستان «کمک» صورت گرفته است، تا یک «حاکمیت» جدید بر پایه وسیع ایجاد گردد. تا اکنون، «پروسة» تحکیم دولت در افغانستان جریان دارد. اعلان آمادگی خروج همه قوای آنها، مبین آنست، که افغانستان، به عنوان یک دولت مستقل در عرصه بین المللی، هویت خود را حفظ نموده است. ازینکه در تحت شرایط ادامه «بحران» و تسلط یک «حکومت ضعیف» و نا «مطلوب»، اتباع دست و پای می زنند، ربطی با «وضعیت استقلال» کشور، در مناسبات بین المللی نداشته، حضور قوای خارجی، به منظور «مستعمره ساختن» افغانستان نبوده، بمعنی اصلی «کلمه» افغانستان در «اشغال رسمی هیچ کسی» قرار ندارد.

پایان

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ